پیشخوان

نظری و گذری بر حیات سیاسی حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج سیداحمد خمینی

«مشاور امین» در آیینه یک بازشناسی

نیما احمدپور

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود به بازشناسی حیات سیاسی زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی پرداخته است. «مشاور امین» از طرف سعید غفوری شهسواری تألیف شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در توصیف موضوع این کتاب به نکات پی آمده اشارت برده است: «تاریخ انقلاب اسلامی ایران سه رکن مهم دارد که در کنار هم این پدیده شگفت قرن را پدید آورد. نخست ایدئولوژی اسلامی، دوم رهبری حضرت امام و سوم، همگامی مردم مسلمان ایران. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، با ایدئولوژی اسلامی و حضور گسترده مردم مسلمان ایران و تأییدات خاص الهی شکل گرفت و به پیروزی رسید. هر یک از این سه رکن مهم، محور پژوهش‌های متعددی گردیده و صاحبنظران درباره‌آن، به بحث و بررسی پرداخته‌اند. برای تبیین نقش رهبری امام خمینی در پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر زندگانی و مبارزات ایشان، لازم است زندگانی و مبارزات نزدیکان امام به‌ویژه فرزندان معظم‌له مورد توجه قرار گیرد. شهادت غریبانه آیت‌الله سیدمصطفی خمینی فرزند ارشد حضرت امام، در تاریخ انقلاب اسلامی سرآغاز دوره‌ای مهم گردید. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی بعد از شهادت برادر، حساس‌ترین مسئولیت را در بیت پدر برعهده داشت. با درک چنین اهمیتی، پژوهش درباره نقش و جایگاه وی در انقلاب ضروری می‌نماید. گرچه

۱۳۶۱. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌سیداحمد خمینی در یک گفت‌وشنود مطبوعاتی

تاکنون در مورد ایشان آثار متعددی انتشار یافته است، اما اهمیت نقش وی و دربرنگرفتن بخش مهمی‌از ابعاد زندگانی مرحوم حاج احمد آقا در آثار انتشار یافته، جای تحقیق و پژوهش در این موضوع را باز نگاهداشته است...»

مشاور امین در بخشی از متن خود، خاطرات یادگار امام از رویداد ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ را اینگونه منعکس کرده است: «باید یادآور شوم که طرح رفتن به بهشت زهرا را امام خودشان وقتی در پاریس بودیم، اعلام کردند. با وجود اصرار آن مستقبلین برای منصرف کردن امام از این تصمیم، ما عازم بهشت زهرا شدیم، چون امام خودشان چنین تصمیمی داشتند. به علت زیاد بودن تعداد ماشین‌های همراه در بین راه، فقط چند بار مردم متوجه اتومبیلی که امام در آن قرار داشت، شدند که ریختند و خیلی خطرناک شد! در ماشین امام که فقط من و راننده همراه امام بودیم، در جلوی بهشت زهرا شلوغ شد و مردم ریختند. با ماشین به سوی بهشت زهرا می‌رفتیم و وضع جوری شد که ماشین حرکت عادی نداشت. تا اینکه اصلاً موتور ماشین سوخت و از آن پس دیگر این فشار جمعیت بود که اتومبیل را به هر جهت می‌برد، حتی یک‌بار نزدیک بود ماشین توی جوی آب بیفتد. در همین حین هلی کوپتری آمد و امام و من سوار آن شدیم و از آنجا در نزدیکی قطعه ۱۷، پیاده شدیم. امام فاصله هلی کوپتر تا روی کرسی خطابه را راحت طی کردند. امام صحبت خودشان را ایراد کردند که همه می‌دانید و بعد با آمبولانس از در بهشت‌زهرا خارج شد و ماشین به دست راست پیچید. بعد از طی مسافت در جاده به طرف قم، باز به سمت راست پیچید و به داخل بیابان رفت و با سرعت زیادی جلو رفت. هلی کوپتر ما هم، روی آمبولانس حرکت می‌کرد. سریع خود را به آنجا رساندیم و امام را که از آمبولانس پیاده شده بود، سوار کردیم و تا جمعیت برسد، از روی زمین بلند شدیم. مسئله‌ای که در این حال برای ما مطرح شد، این بود که حالا کجا برویم؟...»

مهندس سیدمرتضی نبوی در حال خریدهای روزانه، در منطقه محل سکونت خویش

نظری و گذری بر زیستنامه تنی چند از مدیران شاخص و تراز نظام اسلامی - ۲

کارگزارانی که امکانات ویژه برای خود نمی‌خواستند

انوشه میرمرعشی

ساده زیستی و خدوم بودن، از توقعات مهم و اساسی مردم از مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران است. متأسفانه تعدادی از صاحب منصبان در طول عمر بیش از چهاردهه نظام، دارای این دو صفت پسندیده نبوده‌اند و با عملکردهای نادرست خود، همچون ترک فعل و عمل نکردن به وظایف، رانت خواری و گرفتن حقوق‌های نجومی، فراهم کردن زندگی اشرافی و فامیل بازی، نگاه بدی را حتی نسبت به مسئولان که بسیاری از آنها کارآمد، جهادی و ساده زیست بوده و هستند، ایجاد کرده‌اند. ما در صفحه تاریخ روزنامه جوان، تصمیم داریم با معرفی و تجلیل از برخی مسئولان ساده زیست، بسیار خدوم و کارآمد نظام جمهوری اسلامی، تلاشی برای تغییر داده‌های غلط ذهنی برخی از مردم که همه مسئولان را غیرپاکدست و ناسالم می‌دانند، داشته باشیم. در شماره قبل - که در تاریخ ۲۸آذر ۱۴۰۲ش منتشر شد- به معرفی چند تن از مسئولان تراز اول کشور که به پاکدستی و کارآمدی مشهور بوده و هستند، اقدام کردیم. در آن مطلب به بیان زندگینامه، حیات سیاسی و عملکرد جهادی و پاکدستانه مرحوم دکتر عباس شیبانی وزیر، چندین دوره نماینده مجلس شورای اسلامی و شورای شهر، شهید ابوالفضل کلانتری از مدیران اداره مخابرات استان تهران، حمید شاهنگیان آهنگساز و از مدیران هواپیمایی کشور، رضا محلوجی از مدیران گمرکات کشور و مرحوم دکتر احمد خالدی از مدیران ارشد و معاونان سه وزارتخانه صنایع، بازرگانی و نفت پرداختیم. در این شماره به معرفی چند تن دیگر از مدیران پاکدست و اثرگذار، در فضای عمرانی و سیاسی کشور می‌پردازیم. امید که برای مخاطبان مفید واقع شود.

مرد جهادی وزارت نیرو

مهندس حسین اسماعیل نژاد در سال ۱۳۲۷ش، در تهران و در حوالی خیابان لرزاده به دنیا آمد. او خانواده‌ای ساده، اما محکم و مذهبی داشت. پدرش در میدان میوه و تره بار بزرگ تهران کار می‌کرد. وقتی نوجوان بود، همراه خانواده به خانه‌ای در خیابان ایران نقل مکان کردند. محیط خیابان ایران، مذهبی‌نشین بود و حسین نوجوان بیش از قبل، جذب محافل و هیئت‌های مذهبی محله‌شان شده بود. ورود وی به عرصه مبارزه نیز در چنین بستری انجام پذیرفت. ۱۵ساله بود که نهضت امام خمینی(ره) آغاز شد. از طریق شرکت در برنامه هیئت‌ها و محافل دینی، در جریان وقایع مربوط به مبارزه قرار گرفت و دوستی‌اش با تعدادی از نوجوانان انقلابی آغاز شد. ایشان در کلاس‌های درس شهید شرافت با چند تن از جوانان دماوندی آشنا شد که از جمله آنها «حسین شریعتمداری»، «مرتضی الویری» و «حبیب الله توسلی» بودند. دوستی با نوجوانان دماوندی، پای ایشان را به هیئت «انجمن کاوش‌های علمی و دینی» شهر دماوند باز کرد و مدتی بعد، رسماً عضوی از اعضای آن هیئت شد. عموم اعضای این هیئت، از مبارزان قبل از انقلاب بودند و سابقه دستگیری و تحمل شکنجه نیز داشتند. مهندس اسماعیل‌نژاد بعد از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۴۷ش، در رشته مهندسی برق دانشگاه شریف قبول شد، اما دو سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۹ به دلیل فعالیت سیاسی و به جرم داشتن جزوه ولایت فقیه امام خمینی دستگیر و به کمیته مشترک ضدخرابکاری منتقل شد. ایشان در آنجا با تحمل شکنجه‌های وحشتناک، حاضر به افشای نام دوستان مبارز خود نشد. وی پس از دوره چندماهه زندان، اما دوباره به فضای مبارزه برگشت، با این تفاوت که این بار با احتیاط بسیار زیاد، مانع شناسایی مجدد خود از سوی ساواک شد. اسماعیل‌نژاد پس از اتمام درس و دوره سربازی، در سال ۱۳۵۴ش به استخدام اداره آب و برق سابق (وزارت نیرو) درمی‌آید. با پیروزی انقلاب اسلامی، او فعالیت جهادی خود را چند برابر کرد. ارادات ایشان به امام خمینی(ره) آنقدر زیاد بود که دوست صمیمی وی، یک‌بار در روزنامه کیهان درباره‌اش نوشت: «خدای مهربان، برادر عزیز و انقلابی‌مان، مرحوم مهندس حسین اسماعیل‌نژاد را رحمت کند و با اولیای الهی محشور فرماید. فارغ‌التحصیل رشته مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف بود. اولین کسی بود که به خاطر توزیع جزوه ولایت‌فقیه حضرت امام (رضوان‌الله تعالی علیه)، از سوی ساواک دستگیر شده بود. شیفته و دلباخته حضرت امام بود و برای معرفی آن بزرگوار به این و آن، سر از پا نمی‌شناخت. مهندس اسماعیل‌نژاد مسئول تنظیم سیستم صوتی بهشت‌زهرا(س) هنگام ورود حضرت امام بود. عمیقاً بر این باور بود که هیچ کلمه حساب نشده‌ای، از زبان مبارک امام بیرون نمی‌آید و حتی در حرکات دست و چشم حضرتش نیز حکمتی نهفته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام به قم مشرف شدند و در محل اقامت‌شان آماده سخنرانی برای انبوه مردمی بودند که به دیدار ایشان آمده بودند. سخنرانی حضرت امام که شروع شد، تعدادی از مستمعین با ایما و اشاره به حضرت ایشان و مسئولانی که در صحنه حضور داشتند و پشت سر امام ایستاده بودند، اعلام کردند که صدا نمی‌آید. حضرت امام با انگشت چند ضربه به میکروفون زدند و فرمودند: کر است! مهندس اسماعیل‌نژاد بلافاصله گفت: عیب از میکروفون است! پرسیدم: از کجا می‌گویی؟ گفت اگر عیب از بلندگو بود، حضرت امام می‌فرمودند لال است... و عیب از میکروفون بود...»[1]

مهندس اسماعیل نژاد با شروع جنگ تحمیلی، در سمت مدیرعاملی شرکت «مشانیر» خدمات بسیاری در زمینه آب و برق رسانی به مردم مناطق محروم ارائه کرد. وی با فرارسیدن سال ۱۳۶۶ به عنوان معاونت جنگ وزیر نیرو منصوب و همراه با خانواده راهی اهواز شد. ایشان تا پایان جنگ تحمیلی، خدمات بسیار ارزنده‌ای را به رزمندگان و مدافعان وطن و البته به مردم مناطق محروم استان خوزستان، در زمینه آب و برق ارائه داد. بعد از پایان جنگ، اما وی به سمت مدیرعاملی شرکت مهندسان مشاور نیرو از زیرمجموعه‌های وزارت نیرو منصوب شد و در این مقام به اجرای طرح‌های آب و برق‌رسانی در مناطق محروم استان‌های غربی کشور و سپس مناطق محروم استان سیستان‌وبلوچستان می‌پرداخت. حضور مداوم وی در مناطق صعب‌العبور کوهستان‌های کردستان یا بیابان‌ها و روستاهای بلوچستان، آن‌هم بیش از یک دهه و عدم دسترسی نامبرده و همکاران جهادی‌اش به غذا و آب سالم و مناسب، وی را دچار دردهای گوارشی شدید کرد. ایشان در سالیان خدمت، هر دو هفته یک بار به خانه سر می‌زد و تمام همّ و غم خود را معطوف به آبادانی روستاهای محروم کرده بود. این درحالی بود که حتی خانواده وی، از بسیاری از خدمات و مناصب مدیریتی‌اش باخبر نبودند. زیست مهندس اسماعیل‌نژاد در تمام سال‌های خدمت در پست‌های گوناگون، یک زندگی کاملاً کارمندی و بسیار معمولی بود و همه همکاران و دوستان و بستگان به این امر معترف بودند. این مدیر ساده زیست و جهادی، سرانجام در تاریخ هشتم آبان ۱۳۸۰ش، براثر مشکلات تنفسی و گوارشی ناشی از سالیان خدمت درگذشت و به جوار رحمت حق شتافت.[2]

مرحوم سید جلال یحیی زاده در حال سرکشی از روستاهای حوزه انتخابیه خویش

مرحوم سید جلال یحیی زاده در تمام ادواری که نماینده مردم بود، همیشه در حوزه انتخابیه خود با یک موتورسیکلت یاماهای قدیمی - که در سال ۱۳۷۲ش خریده بود- تردد می‌کرد. همچنین در دوران نمایندگی خود به هیچ وجه حاضر نشد از وام‌های مجلس استفاده کند و حتی اندکی سطح زندگی بسیار ساده خود را ارتقا دهد. عملکرد انقلابی وی و پیگیری مشکلات مردم حوزه انتخابیه، پس از سال‌ها همچنان زبانزد مردم یزد است

سیدمرتضی نبوی با وجود احراز مسئولیت‌های مختلف و تجربه دو دوره نمایندگی مجلس، بسیار ساده زیست است؛ حقیقتی که حتی دشمنان نظام و رقبای سیاسی وی نیز به آن اعتراف دارند. او در بخشی از گفت‌وگو با روزنامه جوان می‌گوید: «من همیشه این جمله مرحوم آیت‌الله احمدی‌میانجی - که از استادان جامعه مدرسین بودند و چند سال پیش مرحوم شدند- را در خاطر دارم. می‌فرمودند: برای مسئولان جمهوری اسلامی و به‌ویژه روحانیت، رعایت زهد واجب است...»

موتورسیکلت مشهور آقای نماینده!

حجت‌الاسلام سیدجلال یحیی زاده در سال ۱۳۳۹ش، در شهر میبد استان یزد به دنیا آمد. پدرش آقا سیدمحمود مرد زحمتکشی بود که اهتمام زیادی به آموزش قرآن، احکام و مسائل دینی به فرزندانش داشت. برای همین سیدجلال از کودکی با محیط‌های مذهبی و قرآنی انس پیدا کرده بود. ایشان تحصیلات دوران ابتدایی خود را در دبستان میبدی و دوره راهنمایی را در مدرسه مفید با معدل بالا و رتبه ممتاز به پایان رساند. بعد از آن اما برای ادامه تحصیل، حوزه علمیه را انتخاب کرد و راهی مدارس علمی شهر یزد شد. یک‌سال بعد از آن و با طی دروس مقدمات، سیدجلال برای کسب علوم دینی به قم مهاجرت کرد. از همان سالیان ابتدایی ورود به حوزه علمیه قم، با نهضت اسلامی امام خمینی(ره) آشنا شد و به جرگه یاران ایشان و مبارزان مسلمان وارد شد. وی حتی در قیام ۱۹دی ۱۳۵۷ ش مردم قم، جزو سازمان‌دهندگان آن قیام بود و در آن واقعه تا مرز شهادت هم پیش رفت. ایشان در قم از محضر علمای بزرگی چون: شیخ محمد ابراهیم اعرافی، شیخ علی پناه اشتهاردی، موسوی تهرانی، ستوده، پایانی، جوادی آملی، سید علی محقق داماد، سیدمصطفی محقق داماد، حسن‌زاده آملی، مشکینی و مراجعی چون آیات عظام: ناصر مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، حسین وحید خراسانی و حسین مظاهری استفاده علمی کرد، البته آقای یحیی‌زاده در سالیان پایانی حیات، چندین سال در زمره شاگردان درس خارج فقه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی بود. یحیی زاده در پی پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های تبلیغی و جهادی خویش را تداوم بخشید تا با شروع حمله ارتش بعث صدام به خاک میهن، خود را به صف رزمندگان اسلام رساند. آقای یحیی زاده در طول هشت سال دفاع مقدس، علاوه بر تحصیل علوم دینی، ۱۲ بار به جبهه اعزام شد و در عملیات زیادی چون: محرم، کربلای ۵ و والفجر ۸ شرکت کرد، البته در آن سال‌ها برادرش سیدرضا به شهادت رسید و خود نیز چند بار طعم مجروحیت را چشید. وی بعد از پایان جنگ تحمیلی به حوزه علمیه برگشت و پس از مدتی، تدریس به طلاب جوان را آغاز کرد. او کمی بعد به استان خود برگشت و مسئولیت تصدی امور فرهنگی و اجتماعی حوزه علمیه زادگاهش را برعهده گرفت. طلاب یزدی از خلوص و اقدامات جهادی آقای یحیی‌زاده برای رفع مشکلات‌شان، خاطرات بسیار نابی در ذهن دارند که تجمیع آن مجموعه‌ای خواندنی را رقم خواهد زد.

با نزدیک شدن ایام هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، اما مردم میبد و تفت با جمع‌آوری امضاهای فراوان، از آقای یحیی‌زاده خواستند برای نمایندگی از طرف آنها نامزد انتخابات شود. پس از بالاگرفتن اصرارهای مردم، سیدجلال پذیرفت و به این ترتیب با رأی بالای مردم به عنوان نماینده تفت و میبد راهی مجلس هفتم انتخاب شد. یحیی زاده نه تنها در آن مجلس که حتی در مجالس هشتم و نهم که نماینده مردم بود، همیشه در حوزه انتخابیه خود با یک موتورسیکلت یاماهای قدیمی - که در سال ۱۳۷۲ ش خریده بود- تردد می‌کرد. همچنین در دوران نمایندگی خود به هیچ وجه حاضر نشد از وام‌های مجلس استفاده کند و حتی اندکی سطح زندگی بسیار ساده خود را ارتقا دهد. ایشان در دوره‌های هفتم و هشتم، عضو کمیسیون فرهنگی و در مجلس نهم عضو کمیسیون اقتصادی و عضو هیئت رئیسه فراکسیون ورزش بود. عملکرد انقلابی و پیگیری مشکلات مردم حوزه انتخابیه ایشان، پس از سال‌ها همچنان زبانزد مردم یزد است. همچنین آقای یحیی زاده در طول چند سال نمایندگی خود به تمام روستاهای دو شهرستان میبد و تفت سر زد و از نزدیک شاهد مسائل و مشکلات مردم و پیگیر حل گرفتاری‌های آنها بود. اعتراضات چندباره حجت‌الاسلام یحیی زاده در نطق‌های پیش از دستور مجلس به برخی رفتارهای دنیاگرایانه تعدادی از نمایندگان مجلس دوره‌های هشتم و نهم و حتی اعتراض به تصویب برخی از لوایح و قوانین که از نظر ایشان در تضاد با روحیه ساده زیستی بود، در تاریخ مجلس شورای اسلامی به برگ افتخاری برای این نهاد قانونی مبدل شده است. سرانجام این نماینده ساده زیست و انقلابی، در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۱ ش، بر اثر سکته مغزی به کما رفت و در ساعات اولیه روز ۲۰فروردین ۱۳۹۲ ش، دعوت حق را لبیک گفت و به لقاءالله پیوست.[3]

سرلوحه قراردادن شعار «رعایت زهد واجب است»

مهندس سید مرتضی نبوی در سال ۱۳۲۶ش در شهر قزوین و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. ایشان تا مقطع دیپلم در این شهر درس خواند و بعد از قبولی در دانشکده فنی دانشگاه تهران، راهی شهر تهران شد و از همان دوره دانشجویی، مبارزه علیه رژیم پهلوی را آغاز کرد و از طریق دوست خانوادگی و همشهری خود یعنی شهید محمدعلی رجایی به جرگه یاران امام خمینی پیوست. مهندس نبوی در سال ۱۳۵۲ ش به دلیل فعالیت‌های ضدرژیم شاه، دستگیر شد و بعد از تحمل بازجویی و شکنجه‌های سخت ساواک و برگزاری دادگاه به دو سال حبس محکوم شد. ایشان بعد از آزادی از زندان نیز علاوه بر آنکه در اداره مخابرات مشغول کار شد، دوباره مبارزات خود علیه حکومت پهلوی را تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی پی گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های جهادی ایشان با هدف خدمت‌رسانی به مردم در بخش آبادانی کشور ادامه پیدا کرد تا اینکه بعد از فرار بنی‌صدر از کشور و انتخاب شهید رجایی به عنوان رئیس‌جمهور از طرف مردم به هیئت دولت وارد شد. در واقع شهید رجایی، مهندس نبوی را به عنوان وزیر پست و تلگراف و تلفن به مجلس معرفی کرد و ایشان توانست رأی اعتماد نمایندگان را به دست بیاورد. به این شکل خدمت ایشان به عنوان وزیر پست، تلگراف و تلفن از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ ش، در کابینه دولت‌های شهید رجایی، کابینه موقت آیت‌الله مهدوی کنی و در دولت اول ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای ادامه پیدا کرد، با این همه پس از ایجاد اختلاف میان برخی از وزرای دولت با میرحسین موسوی (نخست وزیر) که مهندس نبوی نیز در زمره آنها بود، از آن کابینه کنار رفت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم بود. او پس از اتمام دوره نمایندگی، مسئولیت‌های زیادی را در نظام جمهوری اسلامی تجربه کرده است که برخی از آنها مانند: عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضویت در شورای عالی حل اختلاف بین قوا، رئیس مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه و مدیر مسئولی فصلنامه راهبرد توسعه همچنان ادامه دارد. با این همه واقعیت این است که مهندس سیدمرتضی نبوی، با وجود احراز مسئولیت‌های مختلف و تجربه دو دوره نمایندگی مجلس، بسیار ساده زیست است؛ حقیقتی که حتی دشمنان نظام و رقبای سیاسی وی در داخل نیز به آن اعتراف دارند. او در بخشی از مصاحبه خویش با روزنامه جوان درباره علت برگزیدن ساده زیستی می‌گوید: «من همیشه این جمله آیت‌الله احمدی‌میانجی را - که از استادان جامعه مدرسین بودند و چند سال پیش مرحوم شدند- در خاطر دارم. می‌دانید ایشان خیلی زندگی ساده‌ای داشتند و تا آخر هم، این سادگی را حفظ کردند. مردم هم ایشان را فوق‌العاده دوست داشتند. ایشان می‌فرمودند: برای مسئولان جمهوری اسلامی و به‌ویژه روحانیت، رعایت زهد واجب است! این حرف، واقعاً قابل تأمل است. آنچه ما از تعالیم و زندگی ائمه معصومین(ع) هم داریم، مؤید این نکته است که طوری زندگی کنید که حرف‌تان در مردم مؤثر باشد. مسئولان جمهوری اسلامی نباید طوری زندگی کنند که وقتی مردم بعد از یک دوره مسئولیت آنها را رصد می‌کنند، بگویند: اینها به قدرت رسیدند تا قدرت را وسیله ثروت قرار دهند! من در دوره‌ای که وزیر بودم، می‌توانستم ماشین بگیرم یا آن زمان در بهترین و گران‌ترین نقاط تهران زمین می‌دادند، ولی من نه ماشین را گرفتم و نه زمین را. در دوره‌ای هم که نماینده بودم، باز امکانات مختلفی از جمله ماشین به نمایندگان می‌دادند که من در هیچ کدام از دوره‌ها ماشین را نگرفتم...»[4]

مهندس نبوی سال‌هاست در محله منیریه و در ملک ارثی خود زندگی می‌کند. یک ماشین پراید دارد و نه تنها در مورد خود که حتی برای فرزندانش نیز نهایت دقت را برای ساده زیستی و آلوده نشدن به زندگی اشرافی داشته است.

کلام آخر

یک حقیقت غیرقابل انکار این است که برخورداری از روحیه ساده زیستی و آلوده نشدن به چرب و شیرین دنیا از سوی مسئولان تا حدودی به وضعیت روحی و ایمانی همسران آنها بستگی دارد. درست است که در این مجموعه مقالات به زندگی مسئولان ساده زیست، کارآمد، با اخلاص و وارسته همچون سه فردی که در بالا به آنها اشارت رفت پرداخته‌ایم، اما حقیقت این است که از اصلی‌ترین دلایل مقید ماندن این افراد به پاکدستی و وارستگی از دنیا، وجود همسران مؤمن و ساده زیست‌شان بوده است. شاید صحیح باشد که در مطالبی جداگانه زی‌مؤمنانه و خلوص آن بانوان محترم نیز ثبت شود تا الگویی برای سایر افراد جامعه باشند و از این طریق بتوان برای نهادینه شدن ساده زیستی در میان متصدیان امور، فرمولی ارائه کرد.

منابع:

۱- *روزنامه کیهان، ۱۶ بهمن ۱۳۹۸ ش*
۲- *مصاحبه نگارنده با احسان اسماعیل نژاد، پسر مرحوم مهندس حسین اسماعیل نژاد*
۳- https://yahyazadeh.ir/?page_id=۴
۴- *روزنامه جوان، مورخ ۱۳ مهر ۱۳۹۸ ش*